

معنا در مسکن، بازخوانی روایت مسکن دیروز برای زندگی امروز

مرتضی محمودی مهماندوست*

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۴/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۴/۱۲/۲۵

چکیده

خانه فضای بلافصل مرتبط با زندگی آدمی است؛ فضایی که از آن تأثیر می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. این فضا در پیوند با مفهومی پیچیده یعنی خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و جزء جدایی‌ناپذیر خانه ایرانی - اسلامی معنا می‌یابد. پیوند میان خانه، خانواده و زندگی جاری در آن، می‌تواند مفهومی ماندگار و جاودانه برای ساکنان خانه خلق کند. در جامعه امروز، به علت پیچیدگی‌های اجتماعی پدیدآمده و رسوخ اندیشه مدرن در مفاهیم عمیق و سنتی زندگی، نوعی گسست و انفصال بین کالبد خانه و معنا و مفهوم زندگی پدیدآمده است. هدف این مقاله بررسی مفاهیم سکونت در معماری خانه‌های سنتی ایران و مقایسه آن با مفاهیم زندگی مدرن و در پی آن، آسیب‌شناسی مفاهیم تحول‌یافته زندگی امروز و ارائه چند رهنمود از مفاهیم سکونت سنتی است.

مسکن اسلامی علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای مادی، عهده‌دار برقراری آرامش معنوی و بستر پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان چون تفکر، عبادت و آرامش قلب نیز بوده است، اما برخی نگرش‌های سوء و عوامل مخرب، سکونت امروز را دستخوش تغییر قرارداده و به تبع آن شاهد افول ارزش‌ها و تضعیف مفاهیم والای سکونت هستیم. در این مقاله برخی از این عوامل و تبعات منفی آنها شناسایی و تحلیل شده است که از آن جمله می‌توان به تضعیف اصالت و هویت مسکن، فقدان آرامش روحی و روانی، کاهش حرمت و امنیت و شکل‌گیری نگرش اقتصادی به جای نگاه ارزشی به مسکن اشاره کرد. نتیجه اینکه با تأمل و تعمق در روش زندگی و توجه به سازوکار سکونت اسلامی و همین‌طور بازنگری در برنامه‌ریزی و طراحی مسکن از طریق الزام طراحان در تبعیت از اصول معماری و شهرسازی اسلامی و اصلاح نظام آموزش معماری، می‌توان موجبات احیای مجدد مفاهیم سکونت اسلامی را در مسکن امروز فراهم آورد.

کلمات کلیدی: سکونت، مسکن، خانه، مسکن اسلامی، مسکن مدرن.

مقدمه

یکی از مفاهیم درآمیخته با فرهنگ و زندگی، «مسکن» یا «خانه» است و به نوعی وجوه مختلف فرهنگ از جمله دین، معیشت، هنر و جهان‌بینی با مسکن و زندگی جاری در آن مرتبط هستند. از همین رو است که شیوه‌های متفاوت سکناگزینی یعنی زندگی در شهر، روستا و یا زندگی عشایری، تنوع فعالیتی و معیشتی متنوع (صنعتی - خدماتی، کشاورزی و دامپروری) و به تبع آن هرکدام نظام مسکونی مختص به خود دارند. درست است که یکی از وظایف و تعاریف ابتدایی مسکن با هدف محافظت فیزیکی انسان تا حد «پناهگاه» و حتی «جان‌پناه» نزول پیدامی‌کند، لیکن مسکن فقط برای بقا و زنده‌ماندن نبوده و شیوه زندگی حتی هستی و ایدئولوژی انسان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، مسکن علاوه بر بستر فیزیکی و مادی، بر تکامل روح و حضور معنوی انسان مؤثر و افزون بر سکونت، سعادت را نیز رهنمون می‌شود. اما متأسفانه در زندگی امروز، نوعی تحوّل و انفصال در جسم و جان معماری خانه‌ها پدیدآمده که پیوستگی و ژرف معنایی حیات را خدشه‌دار کرده و روح زندگی جاری در خانه را متلاطم ساخته‌است. هدف این مقاله بررسی مفاهیم تحول‌یافته سکونت و ارائه چند رهیافت از معانی و مفاهیم پیدا و پنهان سکونت در خانه‌های سنتی برای زندگی امروز است تا از این رهگذر ضمن بازخوانی مختصر حکایت شیرین حیات در سال‌های نه‌چندان دور، بتوان دستمایه‌ای از مفاهیم والای سکونت برای زندگی بی‌طراوت امروز برگزید. برای رسیدن به این هدف، نخست به جایگاه سکونت و مفاهیم مرتبط با آن در دو

نگرش سنتی و مدرن مروری داشته‌ایم؛ سپس، ضمن آسیب‌شناسی مفاهیم جاری در زندگی امروز، به بررسی تأثیر مثبت چند مفهوم متعالی سکونت در معنابخشی و ظهور امنیت روحی و روانی در زندگی امروز پرداخته‌ایم. شایان ذکر است که تلقی ما از مفاهیم سکونت در مسکن دیروز، مفاهیمی عام و ساده از زندگی است که تا قبل از ظهور مدرنیته و عناصر آن، در زندگی مردم جای‌جای سرزمین ایران جاری بود.

پرسش‌های تحقیق

۱. در جهان‌بینی اسلامی، مسکن و سکونت چه مفهوم و شأنی دارد؟
۲. نگرش مدرن غربی، چه جایگاه و تعریفی را برای مسکن و مفاهیم مرتبط با سکونت قائل شده‌است؟
۳. در مقایسه بین جهان‌بینی اسلامی و نگرش مدرن غربی به سکونت و مفاهیم آن، سکونت امروز و مسکن رایج در کلان‌شهرهای کشور، از چه جایگاه و وضعیتی برخوردارند؟
۴. رسوخ اندیشه آمیخته با مفاهیم مدرنیته، چه تبعات منفی و تأثیرات نازلی بر مفاهیم کیفی سکونت در مسکن امروز داشته‌است؟

تعریف و شناخت مسکن و سکونت

«مسکن» اسم مکان بر وزن مَفْعَل است، به معنای محل آرامش و سکونت که از ریشه «سکن» به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی گفته می‌شود که انسان‌ها یا به بیان بهتر خانواده در آن زندگی می‌کنند. در لغت‌نامه دهخدا مسکن چنین معنی شده: جای باشش و خانه، منزل و بیت، جای سکونت و مقام، جای آرام و ... (دهخدا، ۱۳۳۶: ذیل «مسکن»).





برخی واژه‌های هم‌خانواده مسکن عبارت‌اند از: مسکن (آرام‌بخش)، تسکین (دل‌داری‌دادن و آرام‌کردن)، ساکن (کسی که در جایی قرار و آرام گرفته‌است)، سکونت (استقرار در مکانی فراتر از مسکن و در حد مفهوم فضایی محله، روستا و شهر)، اسکان (مستقرکردن، مستقرشدن)، سکینه (اسم مؤنث، کسی که آرام و قرار دارد) (سرتیپی پور، ۱۳۹۰: ۷).

مسکن یکی از مهم‌ترین فضاها معماری است که رابطه نزدیک و مستقیم با خود انسان برقرار می‌کند، به طوری که صورت زمینی آن به عملکردها و نیازهای انسان پاسخ گفته و سیرت معنوی آن در صدد پاسخ‌گویی به اعتقادات و باورهای ساکنان است (Michon, 1998: 32).

مقوله مسکن به دلیل دارا بودن ابعاد متنوع، از گستردگی و پیچیدگی خاصی برخوردار است که نمی‌توان برای آن تعریف واحدی ارائه کرد؛ از این رو، نگاه جوامع و فرهنگ‌های گوناگون به مسکن متفاوت است. در دوره‌ای، مسکن به عنوان ماشین زندگی (لوکوربوزیه) یا مکان رفع حجاب‌ها (میس ون درروهه) مطرح گردید و در زمانی دیگر مسکن به عنوان سکانگزیدن و سکونت همراه با تفکر مطرح شد و انسان به عنوان موجودی فناشونده بر روی زمین، زیر آسمان و در پناه قدسیان شناخته شد (هایدگر، ۱۳۸۱: ۹۴).

سکونت را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. سکونت بیانگر برقراری پیوندی بین انسان و محیط است که این پیوند از تلاش برای یافتن هویت یعنی احساس تعلق به مکان شکل گرفته‌است (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷: ۲۲).

راپپورت بر آن است که از گذشته‌های دور، مسکن برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های معنوی و مذهبی در همه مراحل ساخت خانه تا استقرار در آن کاملاً مشهود است. وجه سرپناهی خانه به عنوان وظیفه ضروری و انفعالی مطرح بوده و جنبه دیگر مفهوم خانه، ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانواده به مثابه واحد اجتماعی است. او فرهنگ، درک انسان‌ها از جهان و روش زندگی را عامل مهمی در مفهوم سکونت می‌داند (براتی، ۱۳۸۲: ۲۵).

در دومین اجلاس اسکان بشر در سال ۱۹۹۶ در استانبول، مسکن مناسب چنین تعریف شده‌است:

سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای. روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آبرسانی مناسب، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست‌محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود (شکرگزار، ۱۳۸۵: ۳۹؛ سرتیپی پور، ۱۳۹۰: ۷).

به هر ترتیب، خانه نخستین جایی است که انسان احساس تعلق فضایی را در آن درک و تجربه می‌کند و بدان خو می‌گیرد و جایی است که زمینه پیوند کودک را با اجتماع فراهم می‌آورد. سازماندهی و ماهیت این محیط باید علاوه بر تأمین نیازهای مادی، برآورنده نیازهای روحی، روانی و اجتماعی او نیز باشد. در واقع، باید گفت که خانه هم

سازه‌ای کالبدی است برای امنیت و محافظت انسان و هم نهادی معنوی برای آرامش درونی و ارتقای ارزش‌های معنوی او که در لوای آن بتواند به کمال انسانی نائل گردد.

مفهوم سکونت در تفکر سنتی و اسلامی

با توجه به تعاریفی که ذکر شد، مسکن فضای رسیدن انسان به آرامش است. در قرآن نیز واژه مسکن به معنی جایی که در آن آرامش باشد، آمده است (الانعام: ۱۳، ۹۶).

در تمدن اسلامی، صفتی از خانه که در عمل، خانه‌ها با توجه به آن شکل گرفته‌اند، سکون و آرامش است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا: وَ خَدَاوَنَد خَانَه‌هَآئِطَان رَا مَآئِةً اَرَامَش بَرَاى شَمَا قَرَارَدَاد» (نحل: ۸۰). اسم مکان از صفت سکون یعنی مسکن چندین مرتبه در قرآن آمده و برای اینکه خانه‌ها به واقع مظهر و مایه آرامش شوند، معماران گذشته تدابیر گوناگونی را در کار داشته‌اند (وثیق و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۷؛ اخوت و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۶)

پیرنیا بر آن است که: «خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می‌کنند می‌بایست تنوع زیادی داشته‌باشد تا خستگی احساس نشود» (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۵۴).

از منظر عرفان اسلامی نیز خانه عبارت است از فضایی کیفی که جسم انسان را در خود جای می‌دهد؛ یعنی، ظرفی که درون آن گوهری به نام انسان جای می‌گیرد. از طرفی، این فضا با عالم کیهانی پیوند می‌خورد و دو عالم کبیر و صغیر در آنجا به یکدیگر متصل می‌شوند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۱۵).

به اعتقاد مسلمانان، هنر زمانی به کمال می‌رسد که صورت آن معنایی برگرفته از تعالیم و قوانین الهی داشته‌باشد. در معماری و شهرسازی اسلامی نیز با شناخت انسان و نیازهای او از یکسو و شناخت باورها و اعتقاداتش از سوی دیگر و بر پایه تعالیم دین مبین اسلام، تدابیری خلق شده‌است که نمونه‌های بارز آن را می‌توان در ایجاد محرمیت، پرهیز از مزاحمت و مشرفیت، رعایت تناسبات و هندسه، ایجاد آرامش و امنیت و در توجه به فضاهای متنوع زیستی در ساخت خانه‌ها مشاهده کرد. در خانه سنتی، به علت توجه به همین ارزش‌ها و پایبندی به ریشه‌ها و اصول اسلامی، شکل و محتوای زندگی در صورت و معنای معماری سنتی نیز تجلی می‌یافت.

رسول اسلام (ص) فرموده‌اند: «حق همسایه آن است که بنای خود را از بنای او بالاتر نبرند و جریان هوا را بر وی مسدود نکنند» (پابنده، ۱۳۶۲: ۲۹۱). مسکن والا در همسایگی‌های خود نیز تواضع را رعایت می‌کند و در هماهنگی با نظم شهر اسلامی چه از لحاظ قرارگیری، مکانیابی و پیش‌آمدگی‌ها و چه از لحاظ رنگ، آمودها و مانند آن در توازن قرار دارد (وثیق و پشوتنی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۱).

در آیات قرآن که با احادیث و روایات فراوان نیز تأکید شده‌است، خداوند بالاترین، کامل‌ترین و اصلی‌ترین منبع زیبایی‌ها معرفی شده‌است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده‌است: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ: خَدَاوَنَد زَبِیَاسْت وَ زَبِیَای رَا دُوسْت دَارَد»؛ همچنین، «رَأَيْتَ رَبِّي فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ: خَدَاوَنَد رَا دَر زَبِیَاطَرِیْن صُورَت مَشَاهِدَه کَرْدَم» (مبیدی، ۱۳۶۱: ۱۳). بنابراین، زیبایی یکی از





صفات خداوند است و انسان نیز فطرتاً زیبایی را دوست دارد و در نتیجه در طرح و خلق آثارش، به دنبال زیبایی است. دین اسلام زیبایی را فقط در ظاهر نمی‌داند، بلکه زیبایی ظاهری را در پرتو زیبایی معنوی و جمال ذاتی پدیدار می‌سازد. از این رو، در معماری اسلامی نیز هدف تجلی زیبایی ظاهر و باطن در کنار یکدیگر است و به سبب آن، تقسیمات و تناسبات دلنشین، هندسه اعجازانگیز و توازن و هم‌آرایی در خلق فضاهایی زیبا و مزین به کار گرفته می‌شود و در عین حال از خودنمایی و تظاهر بیهوده پرهیز می‌گردد. بدین ترتیب، در دین اسلام بهترین راهی که ما را به سوی معبود رهنمون می‌سازد، مسیر زیبایی‌هاست و این راهی است که خداوند ما را به آن فراخوانده است.

خداوند شهری را که در طراحی آن باغ و بوستان و به طور کلی طبیعت دیده شده باشد، شهری «طیب» نامیده و سکونتگاهی را که در باغ باشد، نعمتی الهی برمی‌شمرد (سبا: ۱۵؛ وثیق و پشتوتنی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۹)؛ همچنین، سکونتگاه اولیه بشر به صورت باغ معرفی شده است (بقره: ۳۵) و لذا در اصول معماری اسلامی، توجه خاصی به بهره‌گیری از عناصر طبیعی در ساخت مسکن شده است. معمار اسلامی، حتی اگر خانه کوچک و ساده باشد، باز هم می‌کوشد که آن را با طبیعت همراه کند. خصوصاً، این وفق بین طبیعت و کالبد در خانه‌های اقلیم گرم و خشک با رونقی ویژه و کامل‌تر نمود یافته و بدین سبب است که آب چه به صورت روان و چه ساکن و باغچه با فضای سبز و درختانش، همراه و همنشین همیشگی جسم و جان معماری خانه‌های اسلامی بوده و به تبع این حضور و در جهت آسایش و آرامش انسان است که بهره‌مندی مطلوب و بهینه از مواهب طبیعی

چون تابش، باد و نور از مهم‌ترین شاخصه‌های معماری مسکن اسلامی به‌شمار می‌روند. فضاهای نیمه‌باز چون ایوان و توجه به دید و منظر و نقش کلیدی حیاط در ساماندهی و چینش سایر فضاها و مصداق‌های فراوان دیگر، همه دلیلی بر اهمیت حضور طبیعت در مسکن اسلامی بوده است.

بدین ترتیب، در اسلام و قرآن تأکید ویژه‌ای بر اهمیت و جایگاه مسکن و اهداف مادی و معنوی آن شده است و کالبد مادی مسکن همچون ظرفی برای زندگی اسلامی و مفاهیم والای خلقت برشمرده می‌شود. مسکن اسلامی جایی است که آرامش معنوی را در خود می‌پروراند و به واسطه آن موجبات تلطیف و معنویت فضای زندگی و بستر پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان چون تفکر، عبادت و آرامش قلب را فراهم می‌سازد. در معماری اسلامی، هدف تأمین آرامش و آزادی اهالی خانه و تعالی روح و وجود آدمی است. البته، این آزادی شأن و تعریفی خاص دارد. مفهوم این آزادی در گرو عدم سلب آزادی از دیگران است که این مهم به تبع تنوع در فضا و رفتارهای وابسته به آن پدید می‌آید؛ بدین معنی که در خانه اسلامی برای همه چیز و همه‌کس تفکری پاسخ‌گو و کالبد و معنایی خاص وجود دارد. این بدان معناست که خانه اسلامی که بر مبنای معماری و شهرسازی اسلامی بنا شده، ویژگی‌هایی دارد که پاسخ‌گوی جمیع نیازهای روحی - روانی و جسمی و مادی انسان‌هاست و معمار به دنبال تجلی صفات بهستی در محیط خانه اسلامی و به تبع آن تعالی و تکامل اخلاقیات انسانی و صفات الهی در آن محیط است.

مفهوم سکونت در تفکر مدرن غربی

پیشرفت علم و گسترش تکنولوژی موجب شد که بسیاری از موانع زیست بشری و عوامل مرگ‌ومیر چون بیماری‌ها تعدیل و کنترل گردد. از طرف دیگر، ظهور انقلاب صنعتی مدرن با تأکید بر اندیشه‌های اقتصادی و تکیه بر منابع انسانی کار جهت تولیدات انبوه در کارخانه‌ها، بیش از پیش خود را به سرمایه‌های اقتصادی و انسانی وابسته می‌دید و در نتیجه افزایش جمعیت را به همراه داشت. روش‌های سنتی دیگر کفاف نیاز انسان را به مسکن و خانه تأمین نمی‌کرد. گسترش شهرها و اقبال به شهرنشینی که در نتیجه انقلاب صنعتی و تحولات بعد از آن رخ داده بود، هرروز رونق و سرعت بیشتری پیدا کرد و این شیوه جدیدی از زندگی و کار را برای انسان مدرن به ارمغان آورد و در پی آن، الگوی متفاوتی برای خانه‌سازی پدیدار شد. این تحولات و تبعات آن، تنها افزایش جمعیت و ساخت مسکن را در پی نداشت، بلکه کیفیت و شیوه رایج زندگی سنتی را نیز به کلی تحت تأثیر قرار داد.

در اندیشه مدرن، معرفت با علم و آگاهی برابری می‌کند؛ علمی که تابع شرایط زمانی و مکانی نیست. در نتیجه، بر پایه معماری مدرن، همه ساخت‌های بشری می‌بایست زبان مشترکی داشته باشند. در این نوع معماری، تاریخ و جغرافیا و شرایط فرهنگی، اجتماعی و معیشتی نقش و جایگاهی ندارند. به عبارت دیگر، اصالت و علقه انسان به مکان و رخدادها و زوایای مختلف فرهنگی در معماری مدرن نقشی ایفا نخواهند کرد. در نتیجه، شأن خانه تا حد یک سرپناه و صرفاً برای پاسخ‌گویی به نیازهای ظاهری و ابتدایی او

نزول می‌کند. برخی نظریه‌پردازان معماری مدرن مانند لوکوربوزیه با نگاهی عملکردگرایانه و صرفاً ابزاری، خانه را همچون ماشینی برای زندگی نامیده‌اند.

مسئله خانه، مسئله این عصر است. تعادل جامعه امروز به آن وابسته است. نخستین وظیفه معماری در این دوره بازسازی، بازنگری ارزش‌ها و بازنگری عناصر سازنده خانه است... صنعت در مقیاس وسیع باید به ساختمان توجه کند و عناصر خانه را بر پایه تولید انبوه استوار سازد. ما باید روح تولید انبوه را خلق کنیم. روح ساختن خانه‌های تولید انبوه. روح زندگی در خانه‌های تولید انبوه. روح درک خانه‌های تولید انبوه. اگر از قلب‌ها و ذهن‌هایمان همه مفاهیم مرده درباره خانه را بزدایم و به مسئله از دیدگاهی انتقادی بنگریم، به «خانه - ماشین»، به خانه تولید انبوه خواهیم رسید (لوکوربوزیه، ۱۳۸۱: ۲۰۶).

در مقابل این نظریه، شولتز بر آن است که خانه مدرن دیگر نمی‌توانست به سکونت خصوصی انسان و خواسته‌هایش پاسخ کاملی دهد. وی خانه مدرن را از نظر علمی و بهداشتی کامل‌تر از قبل توصیف کرده، اما معتقد است که این خانه دیگر شباهتی به خانه ندارد. در حقیقت، این خانه «زندگی در فضا» را به «زندگی با تصویر» ترجیح داده بود (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲: ۱۶۷).

مدرنیته هم در کارکرد و هم در مفاهیم سکونت سنت‌زدایی کرده است. این سنت‌زدایی سبب شده است که انسان ایرانی از ارزش‌های خود فاصله بگیرد. میل به داشتن خانه شخصی مستقل و تضعیف مفاهیم و معنای خانه پدری، تخصیص فضای خصوصی به هریک از افراد خانه، تنوع سبک‌های دکوراسیون و مبلمان، محدود شدن و





بی‌رونتقی روابط اجتماعی همسایگی و محلی همگی بخشی از آثار نامطلوب مسکن مدرن است. البته، باید اشاره کرد که تحولات شناخت‌شناسی پایان هزارهٔ دوم و تغییر در مفاهیم چگونگی حضور انسان در زمین، به بازاندیشی مسئله و مفهوم سکونت در اندیشه و معماری مدرن منجر شد. این تغییر، گفتمانی را از وجوه کیفی در زمینهٔ حضور انسان و سکن‌گزینی‌اش مطرح کرد. رویکردهای فلسفی و علمی به عالم انسانی در اندیشهٔ مدرن، زمینه‌ای فراهم‌آورد تا قابلیت‌های محیط در ارائهٔ پاسخ‌هایی انسانی به سکونت و نیازهای عالی انسان مورد بازاندیشی قرار گیرند (طاهری، ۱۳۹۲: ۶)؛ از جمله، هایدگر که با فلسفهٔ پدیدارشناسانهٔ خود بر این نظر است که انسان مدرن مدام مکان زندگی‌اش را عوض می‌کند و دیگر حس درستی از مکان زیست خود ندارد. به نظر او، زمین در عصر مدرن نه مکان زیست و عروج و ثمردادن، بلکه ابزار بهره‌رسانی شده‌است و بی‌مکانی، بی‌خانگی و بی‌خانمانی انسان را نتیجهٔ چنین شیوهٔ زیستی دانسته‌است. هایدگر هشدار داده که فقط زمانی که بتوانیم در زمین اقامت کنیم و بیندیشیم، خواهیم توانست بسازیم. تکنولوژی هرگونه امکان کشف و بازنمایی حقیقت را از میان برده‌است، چراکه در همه‌چیز رسوخ کرده‌است (هایدگر، ۱۳۷۸: ۲۶، ۲۷).

مسکن امروز و مقایسهٔ دوسویهٔ آن با مفاهیم

اسلامی و نگرش غربی

به دنبال رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر به‌خصوص در کلان‌شهرهای کشور، تأمین مسکن به یکی از نیازها و مسائل مهم زندگی مبدل شده و به تبع آن تولید مسکن انبوه با هدف بهره‌وری

اقتصادی و زمانی مورد توجه قرار گرفته و اکنون سال‌هاست که تظاهر کالبدی این تولیدات در مجتمع‌های مسکونی و آپارتمان‌ها ظهور یافته‌است. اما، پرسش مطرح در اینجا این است که این الگوها و سازه‌های جدید به معنای واقعی تا چه حد پاسخ‌گوی نیازهای انسان است.

به نظر می‌رسد آنچه امروز به عنوان مسکن ساخته و عرضه می‌شود، برگرفته از نیازها و ارزش‌های ساکنان خانه نیست، زیرا حتی اگر ساخت‌وساز به صورت اصولی و بر اساس معیارهای مهندسی نیز صورت گرفته باشد، باز هم مشخص نیست که کالبد پدیدآمده مظلوم چه زندگی و چه انسان‌هایی خواهد بود. شرکت‌های ساختمانی و حتی بسازبفروش‌های معلوم‌الحال بر اساس تفکر خود که شاکلهٔ اصلی آن مسائل مادی است، طراحی می‌کنند و می‌سازند و می‌فروشند، بدون آنکه از خواست و فرهنگ و هویت ساکنان خانه اطلاعی داشته باشند. حتی، در پروژه‌هایی که دانش‌آموختگان و مهندسان هدایت و مدیریت می‌کنند، باز هم این معضل و بی‌توجهی آشکار است، چراکه نظام آموزشی نیز آن‌گونه که باید طراحان و مهندسان را نسبت به مفاهیم والای سکونت و شاخص‌های هویتی و معنایی حساس و متوجه نساخته‌است. الکساندر با مطرح کردن مفهوم «کیفیت بی‌نام» در مسکن، توصیه می‌کند که روش شکل‌دهی به محیط زندگی بنا بر فطرت و تجربهٔ هزاران سالهٔ بشر را همچون گوهری از دل اعصار گذشته بیرون کشند، چراکه به فراموشی سپرده شده‌است. (الکساندر، ۱۳۸۱: ۵۲). به هر ترتیب، شواهد حاکی از آن است که تبعیت از مفاهیم و معیارهای اسلامی سکونت در شکل‌گیری خانه‌های امروز که عمدتاً مجتمع‌های مسکونی و

آپارتمانی هستند کمتر به چشم می‌خورد. در ادامه، به بررسی برخی مشکلات مسکن امروز که در اثر بی‌توجهی به ارزش‌ها و شاخصه‌های سکونت اسلامی پدیدآمده، خواهیم پرداخت.

تضعیف اصالت و هویت مسکن در زندگی

امروز

از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط‌شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۸). تعلق به مکان با طولانی‌شدن مدت سکونت فرد در یک محل افزایش می‌یابد، به ویژه هنگامی که فرد در جایی زندگی می‌کند که در آن متولد نیز شده باشد (پیربایی و سجادزاده، ۱۳۹۰: ۲۵). در نتیجه، استمرار سکونت در یک خانه عامل مهمی در ایجاد تعلق به مکان است. به عبارت دیگر، داشتن قلمروی مکانی موجب احساس امنیت و اطمینان خاطر در انسان بوده و او خود را تحت حمایت محیط می‌یابد (Robert and Russell, 2002: 36).

در قدیم، عموماً سکونت در خانه‌ها دوام بیشتری داشته و به‌ندرت خانواده از خانه‌ای به خانه دیگر جابه‌جا می‌شد؛ بدین ترتیب، چندین نسل یک خانه را تجربه کرده و حتی در یک مقطع زمانی یک خاندان متشکل از چند نسل با هم در خانه سکنا می‌گزیدند. در چنین شرایطی، خانه همچون مأمنی ثابت برای فرزندان، نوه‌ها و فرزندان آنها محسوب می‌شد و دیگر خانه فقط یک کالبد نبود، بلکه جزئی از حافظه خانواده و افراد محل و حتی مردمان شهر محسوب می‌شد و در نتیجه

تاریخ زندگی خانواده با تاریخ خانه آمیخته شده بود. به بیانی دیگر، هر دو به یکدیگر نوعی اعتبار می‌بخشیدند و به تعبیری شناسنامه و هویت یکدیگر بودند. در این تفکر، تعدی و تخریب خانه به منزله صدمه‌زدن به هویت و اعتبار خانواده بود؛ لذا، خانه و خانواده با هم تعریف شده و با هم معنا می‌یافتند و اصالت خانه همان اصل و نسب خانواده و به تعبیری خانه میراث ماندگار مادی، معنوی و هویتی خانواده بود.

حس تعلق به مکان به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها، نقشی را برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد. این نقش نزد او منحصربه‌فرد و متفاوت است و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود. یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، احساس تعلق و دلبستگی را شکل می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۹). جهان کودک در سال‌های نخستین زندگی او همان خانه است. این جهان کوچک بعدها به جهان خارج از خانه گره می‌خورد، ولی مفهوم خانه و احساس انسان از این مفهوم تا پایان عمر پابرجاست (براتی، ۱۳۸۲: ۵۳).

امروزه، اوقات زیادی از زندگی در شهر و فضاهای گوناگون شهری سپری می‌شود. با رشد مفاهیم جهانی‌شدن و شکل‌گیری فضاهای مجازی دیگر، مفاهیم «مکان» و «فضا» دستخوش تغییر و تحولاتی شده است. در واقع، فضاهای جمعی و صمیمی جاری در زندگی سنتی جای خود را به فضاهای مجازی و شبکه‌های اینترنتی و تکنولوژی‌های ارتباطی داده است و به پیدایش مفاهیم جدیدی چون «دهکده جهانی» و «شهروند





جهانی» منجر شده است. در پی این انقلاب، در رفتارهای زیستی شاهد کاهش وابستگی‌های سرزمینی و عرق وطنی هستیم. چه بسیار مردمانی که در سرزمینی زاده شده و در سرزمین دیگر تحصیل کرده و یا خانواده تشکیل داده و در کشور دیگری کار می‌کنند. البته، سیالیت جهان امروز و انعطاف‌پذیری و ارتباطات به وجود آمده، در جایگاه خود می‌تواند مفید و بسیار مؤثر باشد، لیکن این موضوع به وضوح از اهمیت زادگاه و موطن کاسته و مفاهیم ملی و آیینی را با چالش مواجه ساخته است. در این عرصه، دیگر خانۀ پدری و محله آب و اجدادی و حتی شهر و سرزمین تبار و نیاکان، دیگر آن حس و حال سابق را تداعی نمی‌کند.

یکی دیگر از شاخصه‌های مدرنیته میل به داشتن خانۀ شخصی مستقل و جدایی‌گزینی از خانواده و خانۀ پدری و محدود شدن روابط همسایگی و فامیلی است که زائیده زندگی مدرن و حواشی آن بوده و به تبع آن، اوقات پرداختن به جمع‌های خانوادگی و ارزش‌های قومی، همگی از زندگی جمعی رخت بر بسته و جای خود را به اجتماع‌های جدیدی داده‌اند. به نظر فاضلی، در جوامعی که فردگرایی در آن رشد یافته‌تر است و ارزش‌های فردگرایانه در آن غلبه دارد، مقوله حریم خصوصی هم در معنای مکانی و هم در معنای اجتماعی آن یکی از مفاهیم اساسی است. در این‌گونه فرهنگ‌ها، معماری خانه‌ها به گونه‌ای است که هریک از اعضای خانه بتوانند در درون خانه حریم خصوصی خود را داشته باشند. از این رو، در خانه‌های بریتانیا، مهم‌ترین مسئله مساحت یا فرم خانه نیست، بلکه شیوه توزیع فضا و تقسیم‌بندی آن است؛ اینکه خانه اگر هر قدر کوچک باشد، باز هر کس فضای خاص

و مستقل خودش را داشته باشد. برعکس، در جوامع و فرهنگ‌هایی که ارزش‌های اجتماع‌گرایانه غلبه دارد، مفهوم حریم خصوصی متفاوت است و کارکرد فرهنگی خانه بیش از هر چیز حفظ و صیانت از ارزش‌های جمعی است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۶).

فقدان آرامش و امنیت روحی در مسکن

امروز

شاید بتوان اصلی‌ترین کارکرد خانه را تأمین آرامش و تسکین اعضای آن دانست که این مهم در سایه امنیت همه‌جانبه این محیط فراهم می‌شود. مسکن فضایی امن و حریمی برای ابراز احساسات، بیان اسرار و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. آرامش در مفاهیم اسلامی و آموزه‌های قرآنی جایگاه ویژه‌ای دارد، به طوری که در اسلام، ایمان از ریشه «امن» به معنای آرامش جان و رهایی از هرگونه ترس، نگرانی و اندوه گرفته شده است. این سکونت و آرامش را خداوند به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا: خداوند از خانه‌های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرارداد» (نحل: ۸۰).

سکونتگاه اولیه بشر باغی است که با ویژگی‌هایی مانند آرامش و زندگی مطبوع معرفی می‌شود، ولی شرط فراهم آمدن این آرامش، قرارگرفتن در مسیر فیض الهی است (بقره: ۳۵؛ وثیق و پشوتنی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۸).

در اسلام و قرآن تأکید ویژه‌ای بر اهمیت خانه برای کسب آرامش و امنیت روحی شده است. مهم‌ترین نتیجه آرامش، صمیمیت محیط و لطافت زندگی جاری در خانۀ اسلامی، تأمین نیازهای روحی - روانی ساکنان چون عبادت و تفکر

بوده است. در معماری خانه‌های سنتی ایران فارغ از هر دوره و اقلیمی، آرامش عنصر اصلی زندگی بود. گرچه این آرامش و امنیت روانی در اقلیم‌ها و فرهنگ‌های مختلف با تمهیدات گوناگونی برآورده می‌شد، در تمامی موارد پرداختن به این مقوله از اهداف اصلی طراحی خانه ایرانی - اسلامی بوده است. در اقلیم گرم و خشک، حیاط وسیع همراه با باغچه و گل و حوض آب که نماد پاکی، روشنی و تقدس به‌شمار می‌آمد، موجب تلطیف روحیه و نشاط و شادابی افراد شده و آرامش را در فضا برقرار می‌ساخت. آب در این معماری، عنصری والا بوده و مظهر حیات و پاکی محسوب می‌شده است. آب جاری بدون نظام لوله‌کشی امروزی از خانه‌ها می‌گذشت و طراوت، حیات و آرامش را سبب می‌شد. حیاط این خانه‌ها روزها مملو از نشاط و طراوت بود و شب‌ها محمولی برای سیر در آفاق و آسمان‌ها و درک عظمت هستی و قدرت قادر لایزال آن. به همین اعتبار است که برخی حیاط یا باغ را با حوض آینه وار در مرکز آن حاکی از باغ و بهشت می‌دانند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۳۵). در این نظام زیستی، هم عناصر طبیعی و هم کالبد معماری در جهت تسکین و آرامش به‌کار می‌رفتند و علاوه بر آن، خانواده در درجه نخست و سپس اقوام و سایر دوستان و آشنایان همه تسکین‌بخش روحی و معنوی یکدیگر بودند. این خانه‌ها حریمی مقدس و حیاتی معنوی داشتند. در آن دوران، حتی مصالح به‌کاررفته در ساخت چون خشت و گل و خاک همساز با طبیعت و روح انسانی و همسو با آرامش بشر بود، نه چون فولاد و بتن و سیمان سخت و بی‌روح و خشن.

محیط زندگی در عین حال که می‌تواند عامل مؤثری در کاهش فشارهای روانی و برقراری آرامش باشد، می‌تواند به عاملی تشدیدکننده نیز تبدیل شود. بشر امروز به‌رغم پیشرفت در سایه علم و تکنولوژی، از جهت روحی و روانی نگرانی و پریشانی غوطه‌ور بوده و در خانه‌هایی زندگی می‌کند که احساس تعلق، آرامش و امنیت روانی در آنها کاهش یافته است. زندگی در خانه‌های آپارتمانی و مجتمع‌های زیستی که به شیوه امروزی ساخته می‌شود، با بسیاری تنش‌ها و ناآرامی‌ها آمیخته است. در خانه‌های آپارتمانی امروز یا اصلاً حیاطی وجود ندارد یا اگر هم فضایی به اصطلاح حیاط‌مانند وجود داشته باشد، بسیار کوچک و بدون کارکرد و بی‌بهره از عناصر کیفیت‌بخش حیاط است. اگر حیاطی باغچه و حوض و سایر عناصر را هم داشته باشد، باز به علت عمومی و مشاع‌بودن، از آن کیفیت فضایی و جریان پرنشاط حیات جاری در حیاط خانه‌های سنتی بی‌بهره است. به تعبیری، امروز دیگر باغچه‌ای نیست تا بتوان رنگ را در میان گل‌های کوچک و درشتش لمس کرد و در آن مرگ و حیات دوباره درختان را فهمید (طباطبایی لطفی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). این نقصان در فضا‌سازی حیاط خانه‌های امروز باعث کم‌نشاطی و افسردگی ساکنان شده و ارتباط با عناصر طبیعی و فضای سبز و شادابی حاصل از آن را به حداقل می‌رساند.

از بین رفتن حرمت و امنیت در مسکن امروز

در قرآن، حفظ حریم خانه جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا: ای کسانی که ایمان آوردید، به خانه دیگران داخل



نشوید مگر آنکه قبلاً آنان را آگاه سازید و بر اهل خانه سلام کنید» (نور: ۲۷)؛ همچنین آمده است: «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی إلا ان یدذنکم: ای ایمان‌آوردگان به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آنکه به شما اجازه دهد» (احزاب: ۵۳). همین‌طور آیات و احادیث مشابه دیگری نیز وجود دارد که بر تقدس حریم خانه و خانواده اشاره و تأکید دارد.

در معماری و شهرسازی اسلامی نیز توجه به حریم خانه و فضاهای آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در مسکن سنتی، همواره ورود از بیرون به درون با سلسله‌مراتب حضور همراه بوده‌است. به عبارت دیگر، ضوابط و قیودی تدریجی در گذار از فضای عمومی بیرون به فضای خصوصی درون وجود داشته‌است، در حالی که این مسئله در معماری امروز کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در گونه «درون‌گرا» از خانه‌های سنتی (گونه‌ای که در آن حداقل در دو جبهه حیاط توده ساختمانی قرار گرفته‌است)، جوهره اصلی فضای خانه، حیاط است و توده‌های اطراف بر مبنای تعریف حریم و تمایز خلوت‌ها شکل می‌گیرد. در این گونه، برای ورود از معبر اصلی به داخل خانه اولاً در قریب به اتفاق موارد، ورود به خانه از معبر به فضای مسقف صورت می‌گرفته و نه از معبر به حیاط و دوم اینکه در این گذار تدریجی، از فضاهایی به نام «در بند»، «سر بند»، «هشتی» و «دالان» بهره گرفته می‌شده و فضاهایی که جنبه خصوصی کمتری داشتند، در ابتدای حیاط و فضاهایی که قلمرو خصوصی محسوب می‌شدند، در انتهای خانه استقرار می‌یافتند. این نبود ارتباط مستقیم بین معبر و حیاط، فضای حیاط را به فضایی خصوصی و خانوادگی تبدیل می‌کرد و در

نتیجه حیات در حیاط دمیده می‌شد. سلسله‌مراتب عبور و حضور علاوه بر حفظ حریمت و امنیت، نتایج والاتر و عمیق‌تری نیز نهفته دارد. سلسله‌مراتب ورود و این نحوه تقرّب و وصال، به نوعی طی طریق و درک مراتب حضور را به همراه دارد؛ بدین ترتیب که مکان تعریفی دارد و درک مکان مقدس با سلسله‌مراتب حضور و تفکر در طی طریق ممکن می‌گردد. در واقع، ادراک حقایق و مفاهیم سکونت و هستی انسان درجات متفاوتی از درک و فهم را می‌طلبد. این سیر تدریجی فضاها تا رسیدن به فضای مقصد در یک جریان و گذر پیوسته، مخاطب را برای درک و وصل به مقصود مهیا می‌سازد و در نتیجه نظام ترتیب و توالی فضاها رشد و طلب و پذیرش کمال را معنا می‌بخشد. بدین ترتیب، سلسله‌مراتب استقرار و ارتباط فضاها، باز، نیمه‌باز و بسته در خانه، مفاهیم سکوت، مکث، تخیل و تأمل را برای مخاطب قابل درک و فهم کرده و ارتباط درون انسان را با عالم معنا ممکن می‌سازد. به تعبیر بورکھات، حیاط داخلی به منزله بهشت و چون بهشت باطن، مستور است. خانه مسلمانان هم مانند جنت و عالم دیگر پنهان است. بدین گونه، زندگی خانوادگی از حیات اجتماعی جدا شده‌است (بورکھارت، ۱۳۸۶: ۱۴۸). خانه در گذشته تجلیگاه امنیت و متضمن حریم در محیط خانواده بوده، اما در خانه‌های چند دهه اخیر، به‌خصوص در کلان‌شهرها، وجوه مختلف امنیت به طور محسوس خدشه‌دار شده‌است. این در حالی است که در شهرسازی امروز و در نظام غالب سکونت یعنی آپارتمان‌نشینی، ماهیت تعاریف و حریم‌های فوق به طور کلی متحوّل شده‌است. پدیده آپارتمان‌نشینی ویژگی‌های اجتماعی خاص خود را دارد؛ همسایه‌ها در کنار



هم و با فاصله یک دیوار کاغذی از هم زندگی می‌کنند، در حالی که با هم غریبه‌اند. گرچه در این نظام برخلاف خانه‌های سنتی، همسایه‌ها به لحاظ مکانی و کالبدی به یکدیگر نزدیک‌اند، از نظر عاطفی از هم بسیار دورند. گرچه به تبع تنگناهای اقتصادی پدیدآمده مردم مجبورند در خانه‌های کوچک زندگی کنند، توجه به حریم در خانه‌سازی موضوعی بسیار اساسی است. از دیگر عوامل تضعیف حریم در خانه‌های امروزی، ساخت مشرف ساختمان‌ها نسبت به هم و حذف حیاط است. مشکل دیگر، در طراحی ورودی خانه‌هاست، به گونه‌ای که با بازشدن در آپارتمان، تمام خانه هویدا می‌شود، چرا که عموماً فضای ورودی طراحی نظام‌مند و سلسله‌وار ندارد؛ گرچه منظور ما از سلسله‌مراتب، روند نظام‌وار و پیچیده حرکت، مشابه خانه‌های سنتی درون‌گرا نیست، طراحان می‌بایست به‌رغم مساحت کم خانه‌ها باز هم با تمهیداتی این مشکل را مرتفع سازند. این مشکل به گونه‌ای دیگر در ورودی و یا در پنجره اتاق‌های خواب نمود می‌یابد و تفکیک قلمرو خصوصی و عمومی را کم‌رنگ کرده‌است.

به هر صورت، آرامش برای انسان با خلوت و حریم محقق می‌شود و این خانه است که باید حریمی برای ساکنانش باشد، اما این خلوت باید به گونه‌ای باشد که فرد و خانواده، خود را تنها و جدای از دیگران و جامعه تلقی نکنند، بلکه می‌بایست از یکسو خلوت و حرمت خانواده برای نیل به اهداف عالی‌ه‌اش چون تفکر، عبادت و کرامت انسانی مهیا گردد و از طرف دیگر خانواده خود را در محیط اجتماعی و در کنار همسایگان و در محله بازشناسد. بدین ترتیب، خانه از فضایی روحانی و معنوی برخوردار می‌شود که محیط

پرهیاهو و پرمشغله بیرون را به جایگاهی امن، صمیمی و آرامش‌بخش مبدل می‌سازد. چنین محیطی از یک طرف بودن در کنار اعضای خانواده و درک حضور آنها و برقراری رابطه صمیمانه را معنا می‌بخشد و از طرف دیگر پذیرش هم‌نوع و مهمان و برقراری تعادل میان شیوه و اسرار مختص به محیط خانوادگی و میزبانی از مهمان را تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، خانه فضایی است که حیات فردی و اجتماعی انسان را به یکدیگر پیوند می‌زند.

شکل‌گیری نگرش اقتصادی به جای نگاه ارزشی به مسکن

امروزه، نگرش اقتصادی در همه صحنه‌های زندگی بشر تسری یافته و غلبه ارزش‌های کمی و سلطه پول در جامعه مدرن کاملاً فراگیر و مقبول شده‌است. در دنیای متعارف امروزی، با تأثر از نگاه مدرن مادی و مکتب سرمایه‌داری، همه شئون زندگی به دید کالای اقتصادی نگریسته می‌شود. خانه و فضای زیستن انسان نیز از این حمله فکری در امان نمانده و ارزش‌های سرمایه‌دارانه به مفاهیم سکونت نیز رسوخ یافته‌اند. بدین سبب، خانه نیز چون کالاهای دیگر تابع قوانین عرضه و تقاضا و سازوکارهای بازار است. خانه‌ها دیگر مطابق خواست و متناسب با زندگی ساکنان آن طراحی و ساخته نمی‌شود. به عبارت بهتر، خانه و انسان به عنوان ظرف و مظروف، تناسب و پیوند خود را از دست داده‌اند. دیگر ارزش‌های فرهنگی و هنری در ساخت و عرضه خانه‌ها لحاظ نمی‌گردد و بسازبفروش‌ها به جای هنرمندان و معماران هنرفهم، بر سازوکار بی‌نظم و بی‌سامان ساخت‌وساز سلطه یافته‌اند و این محمل را به هر



نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با عنوان «معنا در مسکن؛ بازخوانی روایت مسکن دیروز برای زندگی امروز» و با هدف بررسی مفاهیم سکونت در مسکن سنتی و مدرن و ارائه چند رهیافت و رهنمود از معانی و مفاهیم پیدا و پنهان سکونت در خانه‌های سنتی جهت بهبود زندگی امروز نگاشته شده است. فرض از معنای مسکن دیروز، مفاهیم ساده و در عین حال عمیق جاری در زندگی مردم جای جای سرزمین ایران قبل از ظهور مدرنیته و سلطه تبعات و پیامدهای آن است. برای رسیدن به هدف مقاله، نخست به تعاریف و مفاهیم عام سکونت و مسکن پرداخته‌ایم؛ سپس، این مفاهیم را از دو دیدگاه تعالیم سنتی با نگرش مدرن با یکدیگر مقایسه کرده و از پس این مقایسه، آسیب‌های مخلف در مسکن امروز را معرفی و تحلیل کرده‌ایم. در این میان کوشیده‌ایم تا با بهره‌گیری از مفاهیم والای سکونت در خانه‌های سنتی، امکان بهره‌برداری این مفاهیم را در زندگی امروز نیز متذکر شویم.

بر اساس آنچه آمد، خانه علاوه بر کالبد فیزیکی، روح و جانی دارد که حضور معنوی انسان و مفاهیم سکونت و سعادت او را معنا می‌بخشد و می‌توان از مفاهیم متعالی سکونت و با بهره‌مندی از تعالیم معماری اسلامی در معنابخشی و و ظهور امنیت روحی و روانی در زندگی امروز بهره گرفت. متأسفانه، عوامل مخلف و مشکل‌آفرینی سکونت امروز را فراگرفته که برخی از آنها در این مقاله بررسی شده است. تضعیف اصالت و هویت مسکن، فقدان آرامش و ثبات روانی، کاهش حرمت و امنیت و شکل‌گیری نگرش اقتصادی به جای نگاه ارزشی به مسکن، از جمله مواردی است که

مقصودی که می‌خواهند هدایت می‌کنند. امروزه، یکی از پرسودترین و سریع‌ترین بخش‌های سرمایه‌گذاری، در حوزه مسکن است و به هنگام تورم، خرید مسکن اقدامی برای تثبیت ارزش پول و کسب سود به‌شمار می‌رود، در حالی که مفهوم خانه در طراحی و ساخت خانه سنتی مفهومی متعالی و مقدس بود. این مسکن مناسب بود که موجبات رسیدن به آرامش و تثبیت سلامت جسم و روح انسان را فراهم می‌آورد.

شولتز بر آن است که در عصر مدرن، افراد عملاً امکان بسیاری برای تعیین شکل خانه خود نداشته و در اکثر موارد مجبور به استفاده از خانه‌هایی هستند که پیش از این ساخته شده و اکنون در اختیار آنان قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، خانه نیز مثل بسیاری از عناصر دیگر، به کالای پیش ساخته‌ای تبدیل شده که قابل خرید و فروش است. امروزه، خانواده‌ها و خواست آنها از فرآیند خانه‌سازی حذف شده‌اند. به عبارت دیگر، افراد مجبور به زندگی در فضایی می‌شوند که دیگری با نظم ذهنی خود آن را شکل داده و الزاماً سختی با نظم ذهنی خودشان ندارد. همین مسئله کالایی شدن فضای خانگی باعث اعمال فشار روانی بر افراد و ایجاد مشکلاتی برای خانواده‌ها شده است؛ مشکلاتی که بدون تردید کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. اهمیت توجه به این مسئله تا حدی است که برخی از بزرگان معماری، خود دهان به انتقاد گشوده و بزرگترین بحران دنیای معاصر را بحران «خانه» عنوان کرده‌اند؛ از جمله می‌توان به لوکوربوزیه اشاره کرد که می‌گوید: «اسکان نادرست انسان را باید علت واقعی و ریشه‌ای ناآرامی‌های اجتماعی معاصر دانست»

(نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷: ۱۶۹).



سکونت امروز را تحت تأثیر قراردادده و جایگزین مفاهیم و تعالیم سکونت اسلامی گشته است. لیکن، نباید فراموش کرد که برقراری آرامش معنوی در فضای زندگی و فراهم کردن بستر پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان چون تفکر، عبادت و آرامش قلب از وظایف قطعی و جدایی‌ناپذیر مسکن است که امیدواریم با قدری تأمل در روش زندگی و توجه به سازوکار سکونت اسلامی و همین‌طور بازنگری در برنامه‌ریزی مسکن، الزام طراحان در تبعیت از اصول معماری اسلامی و بازنگری در آموزش مفاهیم و مبانی نظری در مراکز آموزش عالی، بتوان این جریان رو به افول در ساخت مسکن را اصلاح و مجدداً در مسیر متعالی و حقیقی خود هدایت کرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اخوت، هانیه‌سادات؛ محمدرضا بمانیان؛ و مجتبی انصاری (۱۳۹۰). «بازشناسی مفهوم معنوی «سکونت» در مسکن سنتی اقلیم کویری»، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ش ۵.
۳. اردلان، نادر؛ و لاله بختیار (۱۳۸۰). *حس وحدت؛ سنت عرفانی در معماری ایرانی*، ترجمه حمید شاهرخ، تهران: خاک.
۴. براتی، ناصر (۱۳۸۲). «بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی»، *فصلنامه خیال*، ش ۸.
۵. بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۶). *مبانی هنر اسلامی*، ترجمه و تدوین امیر نصری، تهران: حقیقت.
۶. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳*، تهران: شهیدی.

۷. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲). *نهج‌الفصاحه*، تهران: جاویدان.
۸. پیربابایی، محمدتقی؛ و حسن سجاذزاده (۱۳۹۰). «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی»، *نشریه باغ نظر*، ش ۱۶.
۹. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۲). *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، تدوین غلامحسین معاریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۱۰. سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۹۰). «پدیدارشناسی مسکن روستایی»، *نشریه مسکن و محیط روستا*، ش ۱۳۳.
۱۱. شکرگزار، اصغر (۱۳۸۵). *توسعه مسکن شهری در ایران*، تهران: حق‌شناس.
۱۲. طاهری، جعفر (۱۳۹۲). «بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری»، *نشریه معماری ایرانی (مطالعات معماری ایران)*، ش ۴.
۱۳. طباطبایی لطفی، زکیه‌السادات (۱۳۹۰). «روایتی از معضلات و نابسامانی‌های زندگی شهری امروز»، *ماهنامه سوره*، ش ۵۰ و ۵۱.
۱۴. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶). «مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگ*، س ۱، ش ۱.
۱۵. فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، *نشریه هنرهای زیبا*، ش ۲۶.
۱۶. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱). *معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. لغت‌نامه (۱۳۳۶). به کوشش علی‌اکبر دهخدا، ج ۹، تهران: سیروس.



Roberts, C.; and Julia Russell (2002).
Angles on Environmental Psychology,
Nelson Thornes Ltd. London:

۱۸. لوکوربوزیه (۱۳۸۱). «به سوی یک معماری»، *از مدرنیسم تا پست-مدرنیسم*، تدوین مایکل پین، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و همکاران، تهران: نی.
۱۹. میدی، ابوالفضل (۱۳۶۱). *کشف الاسرار و عده‌الابرار*، ج ۲، تهران: سپهر.
۲۰. نصر، سید حسین (۱۳۷۳). *هنر قدسی در فرهنگ ایرانی*، تهران: برگ.
۲۱. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۲). *معماری، معنا و مکان*، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران: جان و جهان.
۲۲. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۷). *مفهوم سکونت (به سوی یک معماری تمثیلی)*، ترجمه محمود امیریار احمدی، تهران: آگه.
۲۳. وثیق، بهزاد؛ و آزاده پشوتنی‌زاده (۱۳۸۹). «مفاهیم سکونت در آیات و روایات اسلامی»، *نشریه مسکن و محیط روستا*، ش ۱۲۹.
۲۴. وثیق، بهزاد؛ آزاده پشوتنی‌زاده؛ و محمدرضا بمانیان (۱۳۸۹). «مکان و مسکن در منظر اسلام»، *فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، ش ۳.
۲۵. هایدگر، مارتین (۱۳۷۸). *پرسشی در باب تکنولوژی*، ترجمه محمدرضا اسدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. هایدگر، مارتین (۱۳۸۱). *شعر، زبان و اندیشه‌رهایی*، ترجمه عباس منوچهری، تهران: مولی.

Louis (1998). "Religious Michon, Jean Institutions", *The Islamic City*, Edited by R. B. Serjeant, Paris: Universitaires de France.
Werner (2011). Rioux, L; and C
"Residential Satisfaction Among Aging People living in Place", *Journal of Environmental Psychology*, No. 29.

